نمایندگی در صدور اسناد تجاری

در پرتو کنوانسیون‌ها و اسناد بین المللی

دکتر محمود حبیبی *

مقدمه

امروزه سرعت فوق العاده در امر مبادلات تجاری و اقتصادی و همچنین پدید آمدن نیازهای متنوع در زندگی بشر سبب شده تا از اقدام مستقیم و مباشرت افراد جهت انجام اعمال حقوقی کاسته شود. این مسأله ضرورت اقبال و توجه جوامع بشری به موضوع نمایندگی را قوت بخشیده است، به گونه ای که در حال حاضر تعداد معاملات و قراردادهایی که به نمایندگی منعقد می‌شود، به مراتب بیشتر از معاملات و قراردادهایی هستند که افراد اصالتاً منعقد می‌کنند. در گذشته های دور مباشرتِ اشخاص در انجام اعمال حقوقی و معاملات بیشتر بود اما با پیشرفت روزافزون دانش، فناوری و تکنولوژی، روابط اجتماعی اشخاص پیچیده تر شده و نیازمند ساز و کارهای جدیدی است. استفاده از نهاد «نمایندگی» می‌تواند در بسیاری از موارد مؤثر باشد. در زمان های گذشته روابط مالی و معاملاتی اشخاص در سطح ساده و ابتدایی انجام می‌شد، لیکن دگرگونی های مستمر از گذشته تاکنون در پرتو

* وکیل دادگستری و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد واحد تهران شمال

فعالیت های فکری در همه شـــئون تحقق یافته و در عصر حاضر شتاب اعجاب انگیزی به خود گرفته است.

از این منظر، علم حقوق نیز باید همگام با نوسانات و در راستای تعمیق مســـائل روز بشری در چهره ها و ابعاد گوناگون آن، ناگزیر و بـــه حکم ضرورت بـــه ظرافت و ژرفای متناســـب با محیط خود دســـت یابد و از نفوذ و توان شکافندگی بیشتری برخوردار شود. با این توصیف، تردیدی نیســـت که در زمینه مبادلات تجاری، دیگر مفاهیم سنتی و اینکه اشخاص مباشرتاً مبادرت به صدور، تکمیل مندرجات، ظهرنویسی و ضمانت اسناد تجاری نمایند وجود ندارد؛ از این رو، بررســـی و تحلیل موضوع نمایندگی در اســـناد تجاری اهمیت زیادی دارد. یکی از مســـائل مهـــم در حوزه نمایندگی در اســـناد تجاری، موضوع «نمایندگی در صدور اسناد تجاری» است که در این مقاله به آن پرداخته می‌شود. بدیهی است مسائل دیگرِ نمایندگی در اسناد تجاری مانند نمایندگی در تکمیل مندرجات، نمایندگی در ظهرنویســـی، ضمانـــت و قبولی برات، از موضوع این نوشـــتار خارج است. هدف اصلی این نوشتار، تحلیل و بررسی این موضوع است که اگر یک سند تجاری توسط شخصی غیر از اصیل امضا شود، دارنده سند باید به اصیل مراجعه کند یا به شخصی که سند را امضاء کرده و یا به هر دوی آنها؟

مطالـــب مورد نظر در دو بخش مجزا مطرح می‌شـــود. در بخش اول، ضرورت نمایندگی در اســـناد تجـــاری، مفهوم نمایندگی در صدور و تمییز آن از نمایندگی در تکمیل مندرجات ســـند بررسی می‌شـــود که مشـــتمل بر دو فصل اســـت. فصـــل اول به ضرورت نمایندگی در اســـناد تجاری اختصاص دارد و فصل دوم به مفهوم نمایندگی در صدور و تمییز آن از نمایندگی در تکمیل مندرجات ســـند می پردازد. بخش دوم با عنوان جایگاه نمایندگی در صدور

اســـناد تجاری در کنوانسیون ها و اسناد بین المللی مشتمل بر دو فصل اســـت: فصل اول به بررسی منابع حقوق فراملی و فصل دوم به تحلیل موضوع نمایندگی و حدود مســـئولیت اصیل و نماینده در کنوانســـیون ها و اســـناد بین المللی می پـــردازد. لازم به ذکر است، بررســـی تحلیلی نمایندگی در صدور اسناد تجاری در نظام های حقوقی رومی- ژرمنی مانند فرانسه و ایران و همچنین نظام حقوقی کامن لا مانند انگلیس و آمریکا از موضوع این نوشتار خارج است و در مقاله جداگانه ای بررسی می‌شود.

بخش اول: ضرورت نمایندگی در اسناد تجاری، مفهوم نمایندگی در صدور و تمییز آن از نمایندگی در تکمیل مندرجات سند

فصل اول) ضرورت نمایندگی در اسناد تجاری

گســـترش و پیچیدگی روابط تجاری موجب شد یک تاجر نتواند تمام امور تجاری خود را مباشرتاً انجام دهد. در واقع با اعطای نمایندگی، همان صلاحیتی که در اراده صاحب حقوق و اموال وجود دارد، در اراده دیگری نیز ایجاد می‌شـــود. بدون شک، ســـرعت در روابط اقتصادی و مالی موجب گردش سریع ثروت در جامعه می‌شود و این سرعت در نهاد «نمایندگی» تجلی می یابد. به خصوص اینکه، امروزه بزرگترین تجّار و بازرگانان را شـــرکت های تجاری تشـــکیل می‌دهند که برخی از این شرکت ها حتی در ســـطح جهانی فعالیت دارند و انجام و ادامه فعالیت آن ها جز از طریق نمایندگان دارای اختیار، امکان‌پذیر نیســـت. این مســـأله درخصوص اسناد تجاری اهمیت فراوانی دارد، چرا که اســـناد تجاری در کشـــورهای مختلف و در سطح بین المللی نقش عمده‌ای را ایفاء می‌کنند.

در حقیقت، امروزه پول جای خود را به اسناد تجاری داده است.[۱] بدین ترتیب، شـــخصی که درصدد صدور، ظهرنویسی، ضمانت و قبولی یک سند تجاری است، لزومی ندارد که به مباشـــرت خود وارد عمل شود و می‌تواند با اعطای نمایندگی

۱. فخاری، دکتر امیرحسین، جزوه حقوق تجارت دوره کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۸.

مبادرت به انجام این کار نماید.

فصل دوم) مفهوم نمایندگی در صدور و تمییز آن از نمایندگی در تکمیل مندرجات سند

نمایندگی در صدور سند تجاری را باید از نمایندگی در تکمیل مندرجات سند بازشناخت. منظور از نمایندگی در صدور سند این است که نماینده به جای اصیل، مندرجات الزامی سند را تکمیل و آن را حسب مورد امضاء یا مهر نماید. آنچه در صدور سند و نمایندگی در صدور موضوعیت دارد امضا یا مهر سند است و تکمیل مندرجات آن از این حیث چندان اهمیتی ندارد. لذا اگر مندرجات سند به وسیله صاحب حساب یا اصیل قبلاً تکمیل شده و شخص نماینده آن را امضاء نموده و در اختیار دارنده قرار دهد، موضوع نمایندگی در صدور محقق می‌شود. در عین حال ممکن است اصیل یا صاحب حساب خود مبادرت به امضای سند تجاری نماید ولی شخصاً اقدام به تکمیل مندرجات سند تجاری نکند و تکمیل آن را به دارنده سند واگذار نماید. در این موارد بحث نمایندگی در تکمیل مندرجات سند مطرح می‌شود. در تحلیل موضوع می‌توان آن را مشمول مواد ۶۵۶[۱]، ۶۵۸[۲] و ۶۷۴[۳] قانون مدنی تلقی کرد. در واقع هر شخصی می‌تواند امور خود را از طریق وکیل انجام دهد. بنابراین صادرکننده سند تجاری می‌تواند شخص دیگری را در تکمیل مندرجات سند وکیل خود قرار دهد. این وکالت ممکن است لفظی یا فعلی باشد و تمامی اعمال وکیل متوجه موکل خواهد بود. با وجود این، در مواردی که صادرکننده، سندی را صادر کرده و طبق توافق، تکمیل تمام یا برخی از مندرجات سند را به دارنده واگذار می‌کند، در واقع، وکالت فعلی به دارنده جهت تکمیل مندرجات سند اعطا کرده است. مانند موردی که براتکش بدون درج مبلغ برات، آن را امضاء کرده و بابت بدهی خود به دارنده سند تسلیم می‌کند. دارنده نیز به هنگام ارائه آن

۱. ماده ۶۵۶ قانون مدنی مقرر می دارد: «وکالت عقدی است که به موجب آن یکی از طرفین، طرف دیگر را برای انجام امری نایب خود می نماید.»

۲. ماده ۶۵۸ قانون مدنی بیان می دارد: «وکالت ایجاباً و قبولاً به هر لفظ یا فعلی که دلالت بر آن کند واقع می‌شود.»

۳. ماده ۶۷۴ قانون مدنی بیان می دارد: «موکل باید تمام تعهداتی را که وکیل در حدود وکالت خود کرده است انجام دهد. در مورد آنچه که خارج از حدود وکالت انجام داده است موکل هیچ گونه تعهدی نخواهد داشت، مگر اینکه اعمال فضولی وکیل را صراحتاً یا ضمناً اجازه کند.»

به براتگیر یا به هنگام ظهرنویسی، مبلغی را در سند می نویسد. در این موارد اگر صادرکننده ادعا کند که مبلغ به وسیله دارنده درج شده، خللی به اعتبار سند وارد نمی‌شود. همچنین اگر صادرکننده ادعا کند که دارنده اولیه سند، از حدود اختیارات خود تجاوز کرده و مبلغی بیشتر از مورد توافق در سند درج کرده است، با توجه به اصل عدم توجه ایرادات، در مقابل دارنده با حسن نیت چنین ایرادی مسموع نیست. بنابراین، صادرکننده باید وجه را به دارنده با حسن نیت پرداخت کرده، سپس علیه دارنده اولیه که از حدود اختیارات خود تجاوز نموده اقامه دعوی کند.

در قانون تجارت مصوب سال ۱۳۱۱ در مورد نمایندگی در تکمیل مندرجات سند، تصریحی وجود ندارد. ماده ۲۲۷ قانون تجارت نیز در مورد نمایندگی در صدور است. در عین حال، از بند الف ماده ۱۳ قانون صدور چک مصوب ۱۳۷۲[1] در مورد چک سفید امضاء استفاده می‌شود که اگر چک به وسیله صادرکننده به صورت سفید امضاء صادر و سپس به وسیله دارنده تکمیل و به گردش افتاده و در محاکم مورد استناد واقع شود، چنین چکی فاقد جنبه کیفری بوده و صادرکننده آن را در صورت اثباتِ سفیدامضاء بودن، نمی‌توان تحت تعقیب کیفری قرار داد. ولی بدون تردید چنین چکی از احکام دیگرِ چک مانند قابلیت صدور اجرائیه علیه صادرکننده و اقامه دعوای حقوقی به طرفیت صادرکننده و دیگر مسئولان برخوردار خواهد بود.[2] اداره حقوقی قوه قضاییه در نظریه شماره ۷/۲۱-۱۳۸۱/۱/۱۵ اعلام کرده است: «دادن چک های سفیدامضاء ظهور در تفویض اختیار پر کردن آن به دارنده چک دارد. بنابراین وقتی کسی چکی را بدون تاریخ و سفید به کسی می‌دهد، عرفاً به معنای آن است که صادرکننده چک، اختیار درج تاریخ را به دارنده داده است که هر وقت مایل به وصول وجه آن بود، تاریخ گذاشته و به بانک مراجعه و وجه آن را دریافت نماید، مگر اینکه خلاف آن ثابت شود و لذا گذاشتن تاریخ از ناحیه دارنده، جعل و الحاق به شمار نمی آید و جرم نیست.»

---

۱. در ماده ۱۳ قانون صدور چک اصلاحی ۱۳۸۲/۶/۲ مقرر شده است که در موارد ذیل صادرکننده چک قابل تعقیب کیفری نیست و در بند الف این ماده آمده است:«در صورتی که ثابت شود چک سفیدامضاء داده شده باشد»

۲. دکتر سکوتی نسیمی، رضا، مباحثی تحلیلی از حقوق اسناد تجاری، انتشارات مجد، چاپ اول، ۱۳۹۳، ص۵۲.

در لایحه جدید قانون تجارت، درخصوص بحث «نمایندگی در تکمیل مندرجات سند تجاری» به صورت مستقل پرداخته شده است. همچنانکه در مواد ۷۰۷[۱]، ۷۸۵[۲] و ۷۹۰[۳] این لایحه به اعتبار سندی که بعداً تکمیل می‌شود تصریح و پیش بینی شده است که صادرکننده نمی‌تواند در برابر دارنده ناآگاه به فقدان اختیار تکمیل کننده سند یا خروج از حدود اختیارات استناد کند. البته در اینکه در روابط مستقیم ایرادات قابل پذیرش است، تردیدی وجود ندارد.

ماده ۱۰ کنوانسیون ۱۹۳۰ ژنو نیز به بحث نمایندگی در تکمیل مندرجات اختصاص دارد. در این ماده آمده است: «اگر براتی که در زمان صدور کامل نبوده، به نحوی غیر از توافق قبلی کامل شود، عدم رعایت چنین توافقی علیه دارنده سند مسموع نیست. مگر اینکه شخص اخیر مالکیت برات را با سوءنیت تحصیل نموده و یا در به دست آوردن آن، تقصیر عمده ای مرتکب شده باشد».[۴]

تدوین کنندگان کنوانسیون، با تکیه بر اصل غیرقابل استناد بودن ایرادات، فرض را بر این گذاشته اند که دارنده ثالث باید مصون از ایرادات و توافقات کتبی یا شفاهی صادرکننده با دارنده اولیه سند قرار گیرد. لیکن در دو صورت اصل مذکور کارایی خود را از دست می‌دهد: ۱-ثابت شود که دارنده با سوءنیت، سند تجاری را تحصیل نموده است. در این فرض دارنده سند از حدود توافقات، مطلع و آگاه بوده و با ادعای

---

۱. ماده ۷۰۷ مقرر می دارد: «اگر برات به هنگام صدور، فاقد شرایط مذکور در ماده (۷۰۳) این قانون باشد و سپس به وسیله دارنده برات تکمیل شود، اعتبار برات را دارد. در این صورت هیچیک از مسئولان برات نمی‌توانند در برابر دارنده ناآگاه به فقدان اختیار تکمیل کننده سند یا خروج او از حدود اختیارات اعطایی استناد کنند.»

۲. ماده ۷۸۵ بیان می دارد:«اگر سفته به هنگام صدور فاقد شرایط مذکور در ماده (۷۸۳) این قانون باشد و سپس به وسیله دارنده تکمیل شود، اعتبار سفته را دارد. در این صورت هیچیک از مسئولان سند نمی‌توانند در برابر دارنده ناآگاه به فقدان اختیار تکمیل کننده سند یا خروج او از حدود اختیارات اعطایی استناد کنند.

۳. اگر چک به هنگام صدور فاقد شرایط مذکور در ماده (۷۸۸) این قانون باشد و سپس به وسیله دارنده تکمیل شود، اعتبار چک را دارد. در این صورت، صادرکننده چک نمی‌تواند در برابر دارنده ناآگاه به فقدان اختیار تکمیل کننده سند یا خروج او از حدود اختیارات اعطایی استناد کند.

4. Article 10 «if a bill of exchange, which was incomplete when is sued, has been completed otherwise than in accordance with the agreements entered into, the non-observance of such agreements may not be set up against the holder unless he has acquired the bill of exchange in bad faith or, in acquiring it, has been guilty of gross negligence.»

عدم اطلاع از اینکه سند برخلاف توافقات قبلی تنظیم شده، موفق به دریافت سند شده است. سوءنیت دارنده دو حالت دارد: یکی اینکه تکمیل کننده غیرقانونی سند، خود دارنده بوده است. دیگر اینکه تکمیل کننده، شخص دیگری بوده و دارنده مزبور اعم از دارنده اول یا بعدی، از عدم رعایت توافقات مطلع و آگاه بوده است. ۲-دارنده در تحصیل سند سوءنیت نداشته اما در به دست آوردن آن تقصیر عمده ای مرتکب شده است، مانند اینکه دارنده، سند تجاری پنجاه میلیون تومانی را با مبلغ ده میلیون تومان مالک شود. در اینجا درست است که از عدم رعایت توافقات نخستین علم و اطلاعی ندارد اما با این اقدام خود، مرتکب تقصیر سنگین شده است و دیگر در پناه اصل غیر قابل استناد بودن ایرادات قرار نمی‌گیرد. چون بنای قانونگذار این است که اسناد تجاری در معاملات صحیح و قانونی مورد مبادله قرار گرفته و این اسناد نباید توسط سوداگران، دلالان و سودجویان در بازار معامله شود.

بخش دوم: جایگاه نمایندگی در صدور اسناد تجاری در کنوانسیون‌ها و اسناد بین المللی

فصل اول) منابع حقوق فراملی

مراد از کنوانسیون ها و اسناد بین المللی مجموعه مقررات متحدالشکل و اصول یکنواختی است که دو یا چند کشور در سطح بین المللی آن را پذیرفته اند. در این بخش ابتدا با کنوانسیون ها و اسناد بین المللی در زمینه اسناد تجاری آشنا می‌شویم و سپس جایگاه نمایندگی در صدور اسناد تجاری در کنوانسیون ها و اسناد بین المللی را بررسی می‌کنیم. مهمترین کنوانسیون ها و مقررات متحد الشکل به شرح ذیل است:

۱-کنوانسیون ۱۹۳۰ ژنو[1]

یکی از مهمترین مقررات متحدالشکل در زمینه اسناد تجاری، کنوانسیون ۱۹۳۰ ژنو است. موضوع بحث ما کنوانسیون اول درخصوص قانون متحدالشکل راجع به بروات و سفته ها است که توسط جامعه ملل در ۷ ژوئن ۱۹۳۰ به تصویب رسیده است. این کنوانسیون که مشتمل بر ۷۸ ماده می باشد دارای دو ضمیمه است.

ضمیمه اول: قانون متحدالشکل بروات و سفته ها است که مقررات شکلی و ماهوی

1. Convention Providing a Uniform Law for Bills of Exchange and Promissory Notes.

را بیان کرده و شـــامل دو فصل است. فصل اول مقررات شکلی و ماهوی برات است کـــه از ماده ۱ الی ۷۴ بوده و جمعاً ۱۲ بخش اســـت. فصل دوم درخصوص مقررات ماهوی و شکلی سفته بوده و از ماده ۷۵ الی ۷۸ است.

ضمیمه دوم نیز شـــامل رزروها است که متضمن ۲۳ ماده است. قسمت سوم ماده ۳ و ماده ۸ کنوانسیون که در ضمیمه اول قرار دارد، ناظر به نمایندگی در صدور است. در بند ســـوم ماده ۳ آمده است: «برات ممکن است به حساب شخص ثالثی صادر شود.[1]» بیان ماده ۳ در تبیین نمایندگی در صدور رسا نیست. صرف اینکه یک سند تجاری به حساب شخص ثالثی صادر شود، مبین تمامی آثار و احکام نمایندگی در صدور نیست. مضافاً اینکه از حیث تحلیلی، اصیل یا دستور دهنده را نمی‌توان «ثالث» تلقی کرد، چون اگر نماینده در حدود اختیارات اعطایی عمل کند و در سند، تصریح به نمایندگی شود مسئولیت متوجه اصیل و منوب عنه است و تعهدات ناشی از این سند دامنگیر او خواهد بود و او را نمی‌توان ثالث تلقی کرد.[2]ماده ۸ این کنوانســـیون نیز به بحث نمایندگی در صدور اختصاص دارد. در این ماده آمده است: «هر کس امضای خود را به عنوان نماینده

1. Article 3:"….. It may be drawn for account of a third person."

۲-درماده۲۲۷ قانون تجارت ایران نیز عبارت «دیگری» به کار رفته که مراد همان «شخص ثالث» است.در این ماده آمده است «برات ممکن است به دستور و به حساب شخص دیگری صادرشود» در حقوق ایران بحثی وجود دارد تحت عنوان «طرف قرارداد» طرف حقیقی قرارداد، شخصی است که مال یا عمل یا شخص او مورد قرارداد است و یا شخصی است که ایجاب عقد را قبول می‌کند. بر مبنای این تعریف باید گفت طرف حقیقی قرارداد شخصی است که اعتبار و نفوذ عقد وابسته به رضای اوست، اما انشای عقد منحصراً وابسته به قصد انشای او نیست.(شهیدی، دکتر مهدی، آثار قراردادها و تعهدات، انتشارات مجد، صص ۹۴-۱۳۹۳) با این توصیف، نماینده یا ماذون در انشای عقد و همچنین شخص فضول در عقد فضولی به هیچ وجه طرف حقیقی قرارداد نیست هرچند عقد با قصد انشای نماینده و یا فضول محقق می‌گردد.عده ای از حقوقدانان، معامله فضولی را از آثار عقد نسبت به اشخاص ثالث تلقی نموده اند.(کاتوزیان،دکتر ناصر،قواعد عمومی قراردادها، جلد سوم، ص ۳۶۲) درحالی که فصل پنجم قانون مدنی تحت عنوان «در معاملاتی که موضوع مال غیر است یا معامله فضولی » که مشتمل بر مواد ۲۴۷ تا ۲۶۴ قانون مدنی است تنظیم گردیده و فصل مستقلی است و به هیچ وجه نمی‌توان معامله فضولی را ازآثار عقد نسبت به اشخاص ثالث تلقی کرد. به دلیل اینکه در معامله فضولی، شخص مالک، خود طرف حقیقی قرارداد است و فضول، ثالث محسوب می‌شود. آنچه این تحلیل را تقویت می‌کند مبحث سوم قانون مدنی با عنوان «اثر عقود نسبت به اشخاص ثالث » است. در این مبحث هیچ اشاره ای به معامله فضولی نگردیده است و همانطور که بیان شد معامله فضولی در فصل مستقلی بیان شده است. لذا در نظام حقوقی ایران ، ثالث، شخصی است که رضایت او در نفوذ و اعتبار عقد تاثیر نداشته باشد هرچند ممکن است رضایت یا قصد او در تحقق مفاد عقد موثر باشد، مانند ذینفع از شرط ضمن عقد یا ذینفع در عقد صلحی که یکی از دو مورد عقد به سود او قرار داده می‌شود و با قبول او موضوع حق او قرار می‌گیرد (ماده ۷۶۸ قانون مدنی). نتیجه اینکه دست کم در نظام حقوقی ایران «اصیل» یا «دستوردهنده» در اسناد تجاری به هیچ وجه «ثالث» تلقی نمی‌شود و اگر نماینده در حدود اختیارات عمل نماید و در سند هم تصریح به نمایندگی نماید، دستور دهنده و اصیل مسئول اصلی پرداخت وجه سند در برابر دارنده است.

شخصی در برات درج نماید بدون اینکه اختیار چنین عملی را از جانب او داشته باشد، مثل دیگر متعهدان سند مسئول است و اگر وجه سند را پرداخت نماید دارای حقوق همان شخصی است که از جانب او مدعی نمایندگی بوده است. همین قاعده در مورد نماینده ای که از حدود اختیارات خود تجاوز نموده نیز جاری است.[۱]

۲-کنوانسیون ۱۹۳۱ ژنو در مورد چک

در ۱۹ مارس ۱۹۳۱ میلادی در ژنو، سه کنوانسیون دیگر مانند برات و سفته به تصویب رسید. در این کنوانسیون هر چند به صراحت در مورد نمایندگی در صدور چک و آثار و احکام آن مقرره ای وجود ندارد، لیکن در ماده ۱۱ از ضمیمه اول این کنوانسیون آمده است: «هر کس بدون داشتن اختیار، چکی را به عنوان نماینده امضاء نماید، به عنوان طرف چک مسئول است و اگر وجه چک را پرداخت کند دارای حقوق همان شخصی است که از جانب او مدعی نمایندگی بوده است. همین قاعده در مورد نماینده ای که از حدود اختیارات خود تجاوز نموده جاری است.[۲]

۳-کنوانسیون ۱۹۸۸ آنسیترال[۳] در مورد برات و سفته بین‌المللی[۴]

---

1. Article 8: "Whosoever puts his signature on a bill of exchange as representing a person for whom he had no power to act is bound himself as a party to the bill and, if he pays,has the same rights as the person for whom he purported to act. The same rule applies to a representative who has exceeded his powers."

2. Article11: "Who ever puts his signature on a cheque as representing a person for whom he had no power to act is bound himself as a party to the cheque and, if he pays, has the same rights as the person for whom he purported to act. The same rule applies to a representative who has exceeded powers."

۳.قریب به چهل سال بعد از تأسیس مؤسسه بین المللی یکنواخت سازی حقوق خصوصی (unidroit) سازمان ملل متحد تصمیم گرفت امکاناتی را در زمینه یکنواخت نمودن قواعد و مقررات درخصوص روابط تجاری بین المللی انجام دهد. به همین دلیل در سال ۱۹۶۶، کمیسیون حقوق تجارت بین الملل سازمان ملل متحد معروف به آنسیترال تشکیل گردید و فعالیت خود را به صورت رسمی از اول ژانویه ۱۹۶۸ آغاز نمود. مقر این کمیسیون که یک مؤسسه بین دولتی محسوب می شود در وین قرار دارد. انتخاب کشورهای مزبور براساس تقسیم بندی منطقه ای بوده است تا صلاحیت کمیسیون جهت نمایندگی تمام نظام های حقوقی مهم جهان تضمین گردد. اعضای این کمیسیون دائمی به وسیله مجمع عمومی سازمان ملل متحد انتخاب شده اند. این کمیسیون تا به حال با تشکیل کمیته های تخصصی و اجلاس های متعدد، در یک اقدام مؤثر و فراگیر، گام های بلندی در جهت ارتقا و متحدالشکل نمودن قوانین و مقررات حاکم بر داد و ستدهای تجاری بین المللی برداشته است. همچنانکه بسیاری از کنوانسیون ها و اسناد مهم بین المللی توسط همین کمیسیون آنسیترال تنظیم و تدوین یافته اند. مهمترین آن ها عبارتند از: کنوانسیون ۱۹۷۴ نیویورک در مورد مرور زمان در بیع بین المللی کالا، کنوانسیون ۱۹۷۸ هامبورگ در مورد حمل و نقل کالا از طریق دریا، کنوانسیون ۱۹۸۰ وین در مورد بیع بین المللی کالا، قواعد داوری و سازش آنسیترال، کنوانسیون ۱۹۸۸ در مورد برات و سفته بین المللی. برای مطالعه بیشتر ر.ک دکتر حبیبی-محمود-تفسیر قراردادهای تجاری بین المللی-چاپ دوم-۱۳۹۲-ص۱۳۴.

4. United Nations Convention on International Bills of Exchange and International Promissory Notes.

این کنوانسیون که مشتمل بر نود ماده است؛ اولاً صرفاً ناظر به برات و سفته است و مقررات مربوط به چک را در برنمی‌گیرد. ثانیاً، به نحو بارزی متأثر از نظام حقوقی انگلوساکسون است و مقایسه آن با قانون متحدالشکل تجاری آمریکا شباهت های زیاد از حیث محتوی و نحوه تدوین را نشان می‌دهد.[۱] ماده ۱۲ آن با عنوان تکمیل یک سند غیر کامل[۲] درخصوص نمایندگی در تکمیل مندرجات است. ماده ۲۶ هم درخصوص مسئولیت شخصی است که بدون داشتن سمت نمایندگی یک سند تجاری را ظهرنویسی کرده است. در صدر این ماده آمده است: «اگر ظهرنویسی توسط نماینده بدون اختیار صورت پذیرد با این هدف که اصیل را متعهد نماید، هر امضاءکننده ای که سند را قبل از ظهرنویسی مزبور امضاء نموده است، حق دارد تقاضای جبران زیان ناشی از ظهرنویسی را از اشخاص ذیل بنماید: الف- نماینده. ب- کسی که سند به طور مستقیم توسط نماینده به او انتقال داده شده است. ج- از امضاءکننده یا براتگیری که مستقیماً وجه سند را به نماینده پرداخته یا از یک یا چند ذینفع ظهرنویسی که سند جهت وصول به نام آنان ظهرنویسی شده است.[۳]

تدوین کنندگان این سند در ماده ۳۶ نیز به تفصیل در ۵ بند به بحث نمایندگی در صدور پرداخته اند.[۴] در این ماده آمده است: ۱-یک سند ممکن است به وسیله

۱. دکتر کاویانی- کوروش-حقوق اسناد تجاری-انتشارات میزان-ص۴۳.

2. completion of an incomplete instruments.

3. Article 26: if an endorsement is made by an agent without authority or power to bind his principal, or a party who signed the instrument before such endorsement, has the right to recover compensation for any damage that he may have suffered because of such endorsement against.

4. Article36:

- An instrument may be signed by an agent.
- The signature of an agent placed by him on an instrument with the authority of his principal and showing on the instrument that he is signing in a representative capacity for that named principal,or the signature of a principal placed on the instrument by an agent with his authority,imposes liability on the principal and not on the agent.
- A signature placed on an instrument by a person as agent but who lacks authority to sign or exceeds his authority,or by an agent who has authority to sign but who does not show on the instrument that he is signing in a

نماینده صادر شـــود. ۲-امضای نماینده ای که با اختیار از جانب اصیل بر روی سند منعکس گردیده و نشانگر آن باشد که سند با داشتن سمت نمایندگی از طرف اصیل امضاء شـــده یا امضاء اصیل که توسط نماینده صاحب اختیار بر روی سند قید شده باشد، مسئولیت را متوجه اصیل خواهد نمود. ۳-امضایی که توسط شخصی به عنوان نماینده اما «بدون اختیار»[1] یا «متجاوز از اختیار»[2] بر روی ســـند منعکس گردد، یا شـــخص مزبور با حق امضاء بدون قید سمت نمایندگی خود از جانب شخص معینی ســـند را امضاء نماید یا نامبرده ســـند را با ســـمت نمایندگی امضاء کرده لیکن نام شـــخصی که نمایندگی را به او تفویض نموده قید نکند، همگی مسئولیت را متوجه شـــخص امضاءکننده خواهد نمود (نه شخصی که ادعای اعطای نمایندگی از جانب او شده است). ۴-این سوال که امضای منعکس در سند به عنوان نمایندگی است یا خیر فقط با ملاحظه قیود مندرج در سند پاسخ داده می‌شود. ۵-کسی که به موجب پاراگراف ۳ این ماده الزاماً مبلغ سند را پرداخت نماید، دارای همان حقوقی است که به اصیل در صورت پرداخت سند تعلق می‌گیرد.»

فصـــل دوم) تحلیل موضوع نمایندگی و حدود مســـئولیت اصیل و نماینده در کنوانسیون ها و اسناد بین المللی

آنچه از مواد کنوانســـیون ها و اســـناد بین المللی به شـــرح پیش گفته استنباط می‌شود این اســـت که در بحث نمایندگی، مسئولیت هر یک از نماینده و اصیل در

representative capacity for a named person,or who shows on the instrument that he is signing in a representative capacity but does not name the person whom he represents,imposes liability on the person signing and not on the person whom he purports to represent.

- The question whether a signature was placed on the instrument in a representative capacity may be determined only by reference to what appears on the instrument.

- A person who is liable pursuant to paragraph 3 of this article and who pays the instrument has the same rights as the person for whom he purported to act would have had if that person had paid the instrument«.

1. Lacks authority
2. exceed authority

پرداخت سند تجاری حسب مورد متفاوت است. با مطالعه ماده ۸ کنوانسیون ۱۹۳۰ ژنو و ماده ۱۱ کنوانسیون ۱۹۳۱ ژنو و ماده ۳۶ کنوانسیون آنسیترال، فروض ذیل قابل تصور است:

گفتار اول: نماینده در حدود اختیارات عمل نموده و در سند هم تصریح به نمایندگی از طرف اصیل شده است

برای مثال: «الف» به «ب» نمایندگی داده سفته ای تا مبلغ پانصد میلیون ریال صادر کند. شخص «ب» سفته ای به همین مبلغ صادر و در سند هم نمایندگی خود را از اصیل تصریح می نماید. شخص اصیل مسئول پرداخت سند است یا نماینده یا هر دو؟ در کنوانسیون ۱۹۳۰ ژنو در مورد برات و سفته و همچنین کنوانسیون ۱۹۳۱ ژنو در مورد چک، پاسخ صریحی در مورد این سوال وجود ندارد. لیکن پاراگراف ۲ ماده ۳۶ کنوانسیون ۱۹۸۸ آنسیترال در مورد برات و سفته بین المللی صراحتاً مسئولیت را بر عهده اصیل و منوب عنه تحمیل کرده است. در این ماده آمده است: «امضای نماینده بر روی سند با دارا بودن اختیار از طرف اصیل و ظاهر ساختن این امر در سند که به عنوان نماینده اصیل، سند را امضاء می‌کند، اصیل را متعهد می سازد نه نماینده را.[1]

مسئولیت اصیل در این فرض مطابق با قواعد و اصول است، چون هیچ دلیلی بر توجه مسئولیت به نماینده وجود ندارد. در واقع طرف قرارداد آمر و منوب عنه است و نماینده نقش یک واسطه و وکیل را دارد. لذا درست است که سند توسط نماینده مهر یا امضاء شده است اما متعهد و صادرکننده اصلی شخص اصیل است و عنوان «براتکش» «متعهد» یا «صادرکننده» به شخص نماینده اطلاق نمی‌شود. همچنانکه ماده ۹ کنوانسیون ۱۹۳۰ ژنو بیان می دارد. برات دهنده ضامن قبول و پرداخت برات می‌شود. در ماده ۱۲ کنوانسیون ۱۹۳۱ ژنو در مورد چک هم آمده

1. Article 36(2) The signature of an agent placed by him on an instrument with the authority of his principal and showing on the instrument that he is signing in a representative capacity for that named principal, or the signature of a principal placed on the instrument by an agent with his authority, imposes liability on the principal and not on the agent.

اســـت: «صادرکننده چک، ضامن پرداخت آن اســـت و هر شرطی که صادرکننده را بری الذمه نماید کان لم یکن است.[1]

لذا متبادر از اصطلاح «برات دهنده» و «صادرکننده»، اصیل است؛ خواه مباشرت در صدور سند داشته یا اینکه دیگری به نیابت از او اقدام به صدور سند کند. در این فرض تفاوتی نمی‌کند که دارنده سند مستقیماً مبادرت به طرح دعوی کرده یا اینکه سند تجاری به ایشان منتقل شده و شخص ثالث با حسن نیت تلقی شود.

گفتار دوم: نماینده در حدود اختیارات عمل نکرده و تصریح به نمایندگی هم نکند

شـــخص «الف» که قصد مسافرت را دارد به شخص «ب» وکالت می‌دهد که پس از انجام حسابرســـی و تعیین میزان بدهی او به طلبـــکار به نمایندگی از او براتی را تـــا مبلغ یکصد میلیون ریال صادر کرده و به طلبکار تســـلیم کند. شـــخص «ب» برخـــلاف نیابت اعطایی، براتی را به مبلـــغ یکصد و پنجاه میلیون تومان صادر کرده و بدون تصریح به نمایندگی به شـــخصی که مدعی طلب از شـــخص «الف» اســـت تسلیم کند. در این فرض، نماینده نه در حدود اختیارات اعطایی عمل کرده و نه در ســـند تجاری به نمایندگی خود از اصیل تصریح کرده است. در اینجا مطابق تئوری عمل به ظاهر[2] که حقوقدانان ایتالیایی مبدعِ آن هســـتند، نماینده در مقابل دارنده ســـند مثل دیگر متعهدان سند مسئول اســـت. تدوین کنندگان ماده ۸ کنوانسیون ۱۹۳۰ ژنو و ماده ۱۱ کنوانســـیون ۱۹۳۱ ژنو در مورد چک با عبارت «بدون اینکه قانوناً اختیار چنین عملی را از جانب اصیل داشـــته باشد» به بیان مسأله پرداخته و مســـئولیت را به نماینده فضولی بار کرده است. در پاراگراف ۳ ماده ۳۶ کنوانسیون آنسیترال نیز عبارت «فقدان اختیار برای امضای سند تجاری» به کار رفته که مبین تحمیل مسئولیت بر نماینده است. در بند ۱ ماده ۱۴ کنوانسیون نمایندگی در بیع بین المللی کالا[3] مصوب ۱۹۸۳ ژنو نیز آمده اســـت: «هرگاه نماینده بدون اختیار یا

1. Article12: The drawerguarantees payment. Any stipulation by whichthe drawer releases himself from this guarantee shall be disregarded.
2. La theorie de l’apparence
3. Convention on Agency in the International Sale of Goods (1983).

خارج از حدود اختیار عمل کند، اعمال ایشـــان اصیل و ثالث را نســـبت به یکدیگر ملتـــزم نمی‌کند؛ لیکن نماینده و ثالث به طور مســـتقیم طرفین رابطه حقوقی قرار می‌گیرند.»[1]

بدیهی است نماینده فاقد اختیار چنانچه وجه سند را پرداخت کند، دارای حقوق و امتیازات همان شـــخصی خواهد شـــد که ازجانب او مدعی نمایندگی بوده است.[2] برای مثال اگر براتگیر، برات را قبول کند لیکن با وجود اینکه براتکش وجه برات را به ایشـــان رسانده است در سررسید از پرداخت آن امتناع نماید و دارنده وجه برات را از براتکـــش مطالبه کند، براتکش ملزم به پرداخت اســـت. لیکن پس از پرداخت، براتکش می‌تواند به مدیون اصلی یعنی براتگیر مراجعه کند. همچنانکه در ماده ۲۸ کنوانسیون ۱۹۳۰ ژنو آمده است: «با قبولی برات، براتگیر متعهد می‌شود مبلغ برات را در سررســـید پرداخت کند. در صورت عدم پرداخت، دارنـــده ولو اینکه براتکش باشـــد دارای حق اقامه دعوی ناشـــی از برات علیه براتگیـــر و آنچه که مطابق مواد ۴۸و۴۹ قابل مطالبه است، می باشـــد. نماینده نیز در صورت پرداخت سند، همین حقوق و مزایا را خواهد داشت.[3] نکته حائز اهمیت اینکه طبق تئوری عمل به ظاهر، درخصوص مسئولیت نماینده در پرداخت سند تجاری، تفاوتی بین دارنده مستقیم و بلافاصل و دارنده غیرمستقیم و ثالث با حسن نیت وجود ندارد.

گفتار سوم: نماینده از اصیل اختیار امضای سند تجاری را دارد اما تصریح به نمایندگی نمی‌کند

برای مثال «الف» به موجب یک وکالتنامه رســـمی، اختیار صدور ســـفته تا مبلغ پنجاه میلیون تومان را به شـــخص «ب» می‌دهد. شـــخص «ب» سفته ای به مبلغ پنجاه میلیون تومان صادر نموده لیکن در ســـند، نمایندگی خود را از اصیل تصریح

---

1. Article 14 (1):" where an agent acts without or acts outside the scope of his authority, his acts do not bind the principal and the third party to each other…"

۲. ماده ۸ کنوانسیون ۱۹۳۰ ژنو، ماده ۱۱ کنوانسیون ۱۹۳۱ ژنو در مورد چک و پاراگراف ۵ ماده ۳۶ کنوانسیون ۱۹۸۸ آنسیترال در مورد برات و سفته بین المللی در همین خصوص تنظیم شده است.

۳. البته باید توجه داشت علاوه بر موارد فوق، نماینده حق اقامه دعوی علیه منوب عنه،نسبت به مبلغی که از طرف ایشان اختیار داشته را دارد.

نمی‌کند. حال پرسش این است که در برابر دارنده مستقیم یا شخص ثالث با حسن نیت، اصیل مسئول پرداخت سند است یا نماینده یا هر دو؟ در کنوانسیون ۱۹۳۰ ژنو در مورد برات و سفته و همچنین کنوانسیون ۱۹۳۱ ژنو درخصوص چک، پاسخ صریحی در این خصوص وجود ندارد، اما در پاراگراف ۳ ماده ۳۶ کنونسیون آنسیترال در مقام بیان یکی از موارد مسئولیت نماینده سند تجاری آمده است :«... یا اینکه نماینده، اختیار امضای سند تجاری را داشته باشد اما در متن سند به نمایندگی خود از اصیل تصریح نکند که در این صورت مسئولیت بر نماینده بار می‌شود»[1] مطابق ظاهر پاراگراف ۳ ماده ۳۶ کنوانسیون آنسیترال،همین که نماینده اختیار امضای سند تجاری را از ناحیه منوب عنه داشته و درمتن سند به نمایندگی خود از اصیل تصریح نمی‌کند، شخصاً مسئول پرداخت وجه سند است و اصیل مسئولیتی در برابر دارنده سند ندارد؛ چه نماینده در حدود اختیارات عمل کرده و چه نکرده باشد. اما با تحلیل درست موضوع می‌توان گفت باید از ظاهر ماده دست کشید و آن را صرفاً ناظر به مواردی دانست که نماینده اختیار امضای سند تجاری را از ناحیه اصیل داشته اما بدون توجه به حدود اختیارات، سند را صادر کرده و در متن سند به نمایندگی خود از اصیل تصریح نمی‌کند. در این موارد، صرفاً نماینده مسئول است و اصیل مسئولیتی ندارد؛ لیکن در مواردی که نماینده در حدود اختیارات اعطایی عمل می‌کند ولی در سند، نمایندگی خود را از اصیل بیان نمی‌کند، دیگر نمی‌توان تنها نماینده را در برابر دارنده مسئول شناخت. از این رو، در این موارد می‌توان یک مسئولیت تضامنی برای اصیل و نماینده در برابر دارنده تصور کرد. منشأ التزام اصیل در برابر دارنده محرز است، به جهت اینکه نماینده در حدود اختیارات اعطایی عمل کرده است و از طرفی نماینده هم مطابق تئوری عمل به ظاهر مسئول است، چون تمام حقوق و تکالیف دارنده سند در خود سند تجلی می یابد و ظاهر سند، حکایت از امضای او به عنوان صادرکننده دارد.

1. Article 36 (3) “or by an agent who has authority to sign but who does not show on the instrument that he issignig in a representative capacity for a named person….. imposes liability on the person signing and not on the person whom he purports to represent.

گفتار چهارم: نماینده خارج از حدود اختیار عمل کند اما در سند تصریح به نمایندگی از اصیل بنماید

برای مثال «الف» به موجب یک وکالتنامه رسمی، اختیار صدور برات تا مبلغ یکصد میلیون تومان را به «ب» اعطا می‌کند. شخص «ب» براتی به مبلغ یکصد و پنجاه میلیون تومان صادر و در متن سند، نمایندگی خود را از اصیل تصریح می‌کند. حال سوال این است که چه کسی مسئول پرداخت سند تجاری است؛ اصیل، نماینده یا هر دو؟

پاسخ به این پرسش ها در کنوانسیون ها و مقررات متحدالشکل به روشنی بیان نشده است. در ماده ۸ کنوانسیون ۱۹۳۰ ژنو پس از بیان مسئولیت نماینده فاقد اختیار در پرداخت وجه سند مقرر شده است: «همین حکم در مورد نماینده ای که از حدود اختیارات خود تجاوز نموده جاری است.» در واقع از نظر تدوین کنندگان این کنوانسیون، حکم نماینده فاقد اختیار با نماینده ای که از حدود اختیارات اعطایی تجاوز کرده از حیث تحمیل مسئولیت دقیقاً یکسان است. مشابه این حکم در ماده ۱۱ کنوانسیون ۱۹۳۱ ژنو در مورد چک نیز وجود دارد. همچنین ماده ۳۶ کنوانسیون آنسیترال با صراحت بیشتری این موضوع را بیان کرده است. همچنانکه در پاراگراف ۳ مقرره فوق، عبارت «تجاوز از حدود اختیار» در کنار «فقدان اختیار» قرار گرفته و مبین این است که اگر نماینده از حدود اختیارات اعطایی توسط منوب عنه تخطی و تجاوز نماید، مانند نماینده ای است که اساساً اختیاری از جانب اصیل نداشته و در این فرض همگی مسئولیت متوجه نماینده امضاءکننده است.

گفتار پنجم: نماینده در حدود اختیارات عمل کند، اما ضمن تصریح به نمایندگی، نام منوب عنه را در سند قید نکند

یکی از فروض مهم این است که نماینده، خواسته یا ناخواسته نام اصیل را در متن سند تجاری درج نمی‌کند، هر چند تصریح به نمایندگی می‌کند. در حقوق کامن لا بحثی وجود دارد تحت عنوان نمایندگی افشا شده[1] و نمایندگی افشا نشده[2] که

1. Disclosed Agency
2. Undisclosed Agency

بی ارتباط با بحث حاضر نیســـت. در نمایندگی افشـــا شده، شخص نماینده در برابر طرف قرارداد، نمایندگی خود را اظهار و اعلام می‌کند که معامله را برای اصیل انجام می‌دهد اما در نمایندگی افشـــا نشده، شخص نماینده با وجود اقدام به اعتبار اصیل، هیچ صحبتی از منوب عنه نمی نماید و وجود اصیل را افشا نمی‌کند.

امـــروزه تقریباً در تمامی نظام های حقوق خارجی به ویژه حقوق کامن لا پذیرفته شده است که در نمایندگی افشا نشده، روابط قراردادی بین نماینده و شخص ثالث ایجاد می‌شـــود و شـــخص نماینده نمی‌تواند از زیر بار تعهدات قراردادی شانه خالی کند. قســـمت «a» از بند ۱ ماده ۱۳ کنوانسیون نمایندگی در بیع بین المللی کالا مصوب ۱۹۸۳ نیز در همین زمینه بیان می دارد: «هرگاه شخص ثالث نداند یا نمی بایســـت بداند که نماینده در ســـمت نمایندگی عمل کرده است، مسئولیت متوجه شـــخص نماینده می‌شود»[1] در اسناد تجاری بحث از این هم فراتر است و آن اینکه اگر نماینده در متن سند، به نمایندگی خود تصریح نماید، اما نام اصیل را ذکر نکند در برابر دارنده، چه شخصی مسئول پرداخت سند است؛ نماینده، اصیل یا هر دو؟

در کنوانســـیون ۱۹۳۰ ژنو در مورد برات و سفته و کنوانسیون ۱۹۳۱ ژنو در مورد چک، پاســـخ صریحی در این خصوص وجود ندارد اما تدوین کنندگان کنوانســـیون ۱۹۸۸ آنســـیترال، به زیبایی تکلیف موضوع را مشخص نموده و در صورت عدم ذکر نام اصیل و منوب عنه در ســـند تجاری، مســـئولیت را متوجه نماینده دانســـته اند. همچنانکه در قسمت چهارم از پاراگراف سوم ماده ۳۶ این کنوانسیون، امضای سند تجاری توسط نماینده با قید سمت نمایندگی اما بدون تصریح و قید نام اصیل را به عنوان یکی از ایرادات قابل استناد در برابر دارنده سند و در واقع یکی از موارد سلب مسئولیت اصیل و تحمیل مسئولیت به نماینده تلقی نموده است.[2]

---

1. Article 13 (a) The third party neither knew or nor ought to have known that the agent was acting as an agent … his act shall bind only the agent.
2. “Article 36 (3)…….. or who shows on the instrument that he is signing in a representative capacity but dose not name the person whom he represents, imposes liability on the person signing and not on the person whom he purports to represent.

نتیجه‌گیری

با تحلیل و بررسی نمایندگی در صدور اسناد تجاری درکنوانسیون ها و اسناد بین المللی نتایج ذیل به دست می آید:

اولاً: مـــواد کنوانســـیون های ۱۹۳۰ و ۱۹۳۱ژنو در بیـــان موضوع «نمایندگی در صدور اسناد تجاری» رسا و کامل نیست و این مواد، تنها فرضی را بیان کرده‌اند که نماینده فاقد اختیار بوده یا اینکه از اختیار خود تجاوز کرده است. در عین حال ماده ۳۶ کنوانسیون آنسیترال از این جهت که تا حدود زیادی به تمام زوایای نمایندگی در صدور ســـند تجاری پرداخته ستودنی است و می‌تواند الگویی برای حقوق داخلی کشـــورها باشد. ثانیاً: کنوانســـیون ها و مقررات متحدالشکل به شرح پیش گفته، از یک جهت دارای ایراد اساســـی هســـتند و آن اینکه برای نماینده «فاقد اختیار» با نماینده «متجاوز از حدود اختیار» حکم واحدی مقرر داشـــته اســـت، در حالی که منطق حقوقی که با اصول حاکم بر اســـناد تجاری نیز همخوانی دارد ایجاب می‌کند که در صورت نمایندگی و وجود سایر شرایط، منوب عنه در مقابل دارنده نسبت به مبلغی که اختیار داده مســـئول پرداخت سند باشد، نه اینکه تمام مسئولیت متوجه نماینده‌ای باشد که از حدود اختیارات خود تجاوز کرده است. ثالثاً: بین کنوانسیون های ۱۹۳۰ و۱۹۳۱ ژنو از یک طرف و کنوانســـیون ۱۹۸۸ آنسیترال از طرف دیگر یک تفاوت مهم وجود دارد و آن اینکه در کنوانسیون های ژنو ظاهراً تصریح به سمت نمایندگی در ســـند و دارا بودن اختیار برای سلب مسئولیت نماینده کافی است، هر چند نام اصیل در سند قید نشده باشد اما در کنوانسیون آنسیترال تصریح به سمت نمایندگی و صدور سند در حدود اختیار، کافی برای عدم مسئولیت نماینده نیست، بلکه حتماً باید نماینده، نام منوب عنه و اصیل را هم در سند قید کند.